

Providing Appropriate Strategies in the Field of Cultural Policy- Making in Education to Strengthen National Solidarity and Identity

Alireza Sayyadi

Ph. D. Student in Political Science- Public Policy, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Samad Zahiri

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Tabriz Branch, Payam Noor University, Tabriz- Iran. (Corresponding Author). E- mail: samadzahiri@pnu.ac.ir

Mohammad Yousefi Jouybari

Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Today the realm of culture has expanded and, more than ever, the economic, social and security development of countries is linked to cultural issues. In many countries, culture is a subject of cultural policy-making, management and planning. The purpose of this study is to determine the internal and external factors affecting cultural policy-making in education and then to present appropriate strategies in the field of cultural policy-making in education to strengthen national cohesion and identity. The research method was descriptive and analytical documentation. Using the SWAT model, strategies have been presented regarding cultural policy-making in education to strengthen national solidarity and identity. In total, four types of strategies were identified in the SWAT model: aggressive-competitive strategies, intelligent revision-change strategies, diversity strategies, and defensive strategies. The research findings show that, cultural policy-making in education can be effective in strengthening national solidarity and identity through discourse and transmission of national and religious values and norms to the younger generation; coherence in policy-making of cultural policies based on Iranian-Islamic identity, balanced attention to the category of national identity in textbooks, and institutionalization and political socialization of social values.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Education, National Solidarity, National Identity, Policy-Making, Cultural Policy- Making.*

ارائه راهبردهای مناسب در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش جهت تقویت انسجام و هویت ملی

علیرضا صیادی^۱

صمد ظهیری^۲

محمد یوسفی جویباری^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۴/۴/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۳/۲۶

چکیده

امروزه قلمرو فرهنگ گسترده‌تر شده و بیش از هر زمان دیگری، توسعه اقتصادی، اجتماعی و امنیت کشورها با مسائل فرهنگی پیوند یافته است. فرهنگ در بسیاری کشورها موضوع سیاست‌گذاری، مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی است. هدف پژوهش حاضر، تعیین عوامل داخلی و خارجی اثرگذار در سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش و سپس ارائه راهبردهای مناسب در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش برای تقویت انسجام و هویت ملی است. روش پژوهش، اسنادی به شیوه توصیفی و تحلیلی می‌باشد. با استفاده از مدل سوات به ارائه راهبردهایی درباره سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش جهت تقویت انسجام و هویت ملی پرداخته شده است. در مجموع چهار نوع راهبرد راهبردهای ته‌اجمی - رقابتی، راهبردهای بازنگری - تغییر جهت هوشمندانه، راهبردهای تنوع، راهبردهای تدافعی در مدل سوات مورد شناسایی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سیاست‌گذاری‌های فرهنگی آموزش و پرورش می‌تواند از طریق گفتمان‌سازی و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای ملی و مذهبی به نسل جوان؛ انسجام در خط - مشی‌گذاری سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر هویت ایرانی - اسلامی، توجه متعادل به مقوله هویت ملی در کتاب‌های درسی و نهادینه‌سازی و جامعه‌پذیری سیاسی ارزش‌های اجتماعی در تقویت انسجام و هویت ملی اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، انسجام ملی، هویت ملی، سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری فرهنگی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی - سیاست‌گذاری عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد تبریز، دانشگاه پیام نور، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: samadzahiri@pnu.ac.ir

۳. دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مقدمه

در دنیای امروزی نظام آموزش و پرورش از مهم‌ترین و اثرگذارترین نهادهای اجتماعی بر شمرده می‌شود. مدارس و مراکز آموزشی از مهم‌ترین کارگزاران و نهادهای تحول‌ساز و توسعه‌آفرینی فرهنگی و آموزشی به شمار می‌آیند. مدرسه شیوه اندیشیدن، مهارت‌های تفکر خلاق و انتقادی، تصمیم‌گیری و حل مسئله و نیز چگونه زیستن و نحوه زندگی، ارتباطات و مشارکت اجتماعی را به کودکان و نوجوانان می‌آموزد. هر گونه برنامه و طرحی برای ایجاد تحول و دگرگونی جامعه بدون در نظر گرفتن جایگاه و موقعیت امر تعلیم و تربیت و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی این حوزه راه به جایی نخواهد برد و نمی‌توان نتیجه و فرجامی برای آن متصور شد. در جوامع دانش‌بنیان و رقابتی کنونی، نظام آموزش و پرورش، مدارس و معلمان به مثابه نقطه ثقل نظام‌های اجتماعی و قانون و محور اصلی تحرک، پویایی و توسعه ملی به شمار می‌آیند. پایه توسعه‌یافتگی در هر کشور و مبنای تقویت و انسجام ملی در دوره‌های آموزشی و فرهنگی عمومی گذارده می‌شود. نظام سیاسی از طریق فرایند سیاست‌گذاری باید این آموزش‌ها را به گنجینه روش‌هایی تبدیل کند که کودکان و نوجوانان را از ماده خام انسانی مبدل به انسان‌های پرورش یافته و دارای فرهنگ مشارکت فعال، آگاهانه، علمی، انسانی در امور جامعه گردانند (۲). توسعه ملی و تقویت انسجام و هویت ملی بر محور نیروی انسانی تحقق می‌یابد و کشوری که نتواند دانش و بینش انسان‌ها را توسعه دهد و آن‌ها را از پرورشی جهت‌دار برخوردار سازد و از آن در جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌برداری کند، قادر به توسعه هیچ چیز دیگری نخواهد بود. امروزه دوران مزیت دسترسی به منابع طبیعی در امکان بهره‌مندی از شاخص‌های توسعه و موفقیت در رقابت بین‌المللی جای خود را به مزیت بهره‌مندی از نیروی انسانی محقق، خلاق و مخترع داده است. امر خطیر تربیت به عنوان فعالیتی سازمان یافته مبتنی بر پرورش و آماده ساختن دانش‌آموزان برای ایفای نقش‌های شهروندی و همکاری مدنی ناگزیر از توجه و سیاست‌گذاری پر نفوذترین نهاد جامعه یعنی دولت است. کارکردهای سیاست‌گذاری فرهنگی از چندین جهت دارای اهمیت و در خور توجه پژوهشگران و تحلیلگران است که نوع سیاست‌ها، تصمیمات و کنش‌هایی که نهاد دولت یا آموزش و پرورش در این عرصه اتخاذ می‌کنند در میزان توفیق نظام آموزش و پرورش در نیل به اهداف فرهنگی و تقویت هویت ملی و انسجام ملی پیش‌بینی شده بسیار مؤثر است. ایران کشوری کثیرالقوم و متنوع از فرهنگ‌هاست. اقلیت‌های قومی و فرهنگی کشور نیز از حقوق برابر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. پذیرش تنوع فرهنگی، احترام به سنن و فرهنگ همه اقوام کشور و حفظ هویت ملی و میراث فرهنگی آن‌ها از جمله خصوصیات فرهنگی و حقوقی در این کشور به شمار می‌رود. در ایران ماهیت وجودی قانون اساسی بر مبنای رعایت حقوق شهروندی تنظیم شده و مبنای تدوین سیاست‌های فرهنگی است. روح حاکم بر قانون اساسی نیز بیانگر پذیرش راهبرد وحدت در کثرت فرهنگی است. نتیجه این راهبرد پیدایش انسجام ملی یعنی همدلی ملی و تقویت پایه‌های هویت ملی است. انسجام ملی در این جا معطوف به تعلق خاطر

آحاد شهروندان از جمله اقلیت‌های قومی و دیگر خرده‌فرهنگ‌ها به فرهنگ و هویت ملی است. این تعلق خاطر به عناصر ملی و ابعاد مختلف هویت ملی از جمله زبان، میراث فرهنگی، تاریخ، دین، حکومت و سرزمین مشترک است. یکی از اساسی‌ترین رسالت‌های آموزش و پرورش القا و تنفیذ هویت ملی در جریان تربیت است، بدون این که مانعی برای رشد و بالیدگی هویت فردی و قومی بوده باشد فرد در جریان تربیت در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، نخستین مفاهیم و انگاره‌های مربوط به هویت قومی-ملی را می‌آموزد؛ رابطه عاطفی-عقلانی خود را با دیگران آشنا و ناآشنا درونی می‌سازد و من فردی را به مای خانوادگی و به تدریج به مای قومی-ایلی و بالاخره به مای ملی-دینی و در نهایت به مای جهانی اعتلا می‌بخشد. در این راستا افزون بر رسانه‌ها و شناسنامه فردی، نظام آموزشی و به ویژه آموزش و پرورش نقش تعیین کننده‌ای در تکرار و تنفیذ هویت‌های جمعی و گروهی، قومی، ملی و دینی ایفا می‌کند (۱۱).

بر این اساس یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه فرهنگی، توسعه آموزشی است. اساساً فرهنگی از طریق آموزش شکل می‌گیرد و گسترش و انتقال می‌یابد. دولت‌ها نیز در فرایند توسعه فرهنگی، توسعه آموزشی را به شدت مدنظر قرار می‌دهند. میزان رشد کمی و کیفی سطوح مختلف آموزشی، یکی از شاخص‌های ارزیابی میزان توسعه فرهنگی می‌باشد. از این نظر در بحث توسعه فرهنگی بر همبستگی ملی، می‌بایست توسعه آموزشی را نیز مدنظر قرار دارد. در خصوص تأثیر مثبت توسعه آموزشی بر همگرایی و همبستگی ملی، «ارنست گلنر» دیدگاه‌های مشخصی دارد. وی معتقد است که شرط عضویت در جامعه نوین شهری بر خورنداری از حقوق ناشی از آن، داشتن سواد و تخصص است. این امر از طریق آموزش ممکن می‌گردد. بر خلاف گذشته که قدرت دفاعی و اقتصادی، تعیین کننده واحد سیاسی بود، امروزه تعلیم و تربیت است که میزان و حدود واحد سیاسی را تعیین می‌کند. آموزش و پرورش افرادی را تربیت می‌کند که می‌توانند مشاغل خاصی را عهده‌دار شوند. فرانسین در کتاب «زمانی که فرهنگ‌ها با هم برخورد می‌کنند» از تأثیر آموزش بر همبستگی ملی سخن می‌گوید. وی نیز معتقد است که مناقشات قومی ریشه در جهالت دارد. لذا برای مبارزه با جهالت، سلاح آموزش را به عنوان ابزاری مؤثر جهت ایجاد نزدیکی فرهنگ‌ها معرفی می‌کند. به عقیده او فقدان آگاهی نسبت به روش زندگی اقوام، غالباً باعث ایجاد نگرش منفی نسبت به آنان می‌شود. این آگاهی است که نزدیکی فرهنگ‌ها در ضمن حفظ هویت قومی را ممکن می‌سازد (۱).

هدف مطالعه حاضر، بررسی نقش عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش در راستای تقویت انسجام و هویت ملی است. روش پژوهش، اسنادی به شیوه توصیفی و تحلیلی است.

پیشینه تحقیق

صادقی‌زاده (۹)، در پژوهشی با عنوان الزامات سیاست‌گذاری فرهنگی اقوام، با استفاده از تحلیل مضمون در حوزه اسناد بالادستی و مصاحبه عمیق با نخبگان ذی‌نفع در این حوزه به بررسی سیاست‌گذاری واقع بینانه فرهنگی پرداخته است. وحید و قلعجی (۱۲)، در پژوهشی با عنوان بخش فرهنگ و سیاست‌های فرهنگی در اروپا، تلاش کرده‌اند که برداشت اروپاییان از فرهنگ را روشن سازند و در پی آن بنیان‌ها و الگوها و روش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در میان شماری از کشورهای بزرگ این قاره را بررسی کرده و سپس از پیامدهای این سیاست‌ها را با اتکا بر آمار و ارقام فرهنگی مورد مطالعه قرار دهند. رم‌ضانی و همکاران (۸)، در پژوهشی با عنوان سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به بررسی آسیب‌شناسانه نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشور با تأکید بر مفهوم مرجعیت پرداخته‌اند. در این پژوهش آن‌ها موضوعات فقر سیاست یا کثرت سیاست و ضعف محتوایی سیاست یا نقص اجرایی آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. قشمی میمند و همکاران (۴)، در مقاله‌ای با عنوان سیاست‌گذاری فرهنگی ورزش دانشجویی در ایران، به بررسی الگو سازی فرهنگ ورزش دانشجویی به عنوان یکی از محورهای اساسی سیاست‌گذاری فرهنگی در ورزش پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها شامل ارائه الگوی بومی سیاست‌گذاری فرهنگی ورزش دانشجویی با محوریت دو مضمون فراگیر ایجاد تغییرات ساختاری و تغییر در فرهنگ عمومی نسبت به ورزش برای الگوسازی فرهنگ ورزش دانشجویی است. وحید و صفار (۱۳)، در پژوهشی با عنوان مبانی مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری فرهنگی با محوریت مرجعیت‌ها، ضمن ارائه تعاریفی از فرهنگ و نقش آن در اجتماع انسانی، به بررسی نقش و اهمیت مطالعات تطبیقی فرهنگی پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که حفظ تنوع فرهنگی به عنوان یک مرجعیت کلان بین‌المللی در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی پذیرفته شده و بر اهمیت آن در دستیابی به توسعه متوازن تأکید می‌شود. جوادی و همکاران (۵)، در پژوهشی با عنوان شناخت هندسه فرهنگ به عنوان ضرورتی در سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر راهبرد داده‌بنیاد، به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که آیا فهم بومی از معنا و هندسه فرهنگ در همگراسازی تعاریف گوناگون و زمینه‌سازی و صورت‌بندی الگوی بومی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤثر است؟ آن‌ها این کار را با روش کیفی نظریه‌مبنایی انجام داده‌اند و در آن بالغ بر ۴۰ تعریف از فرهنگ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. شیرینی و استادعلی (۱۰)، در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر عملکرد و سیاست‌گذاری فرهنگی دولت نهم و دهم، به بررسی سیاست‌گذاری فرهنگی دولت نهم و دهم با توجه به علایق و سلیقه‌های مخاطبین، انتخاب درست عاملان فرهنگی و جذب مدیران دارای روحیه خلاق و با مهارت و میزان کارآمدی مسئولان فرهنگی پرداخته‌اند. آن‌ها در این پژوهش از نظریات مارکسیستی و نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز استفاده کرده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود تاکنون پژوهش‌های عمده‌ای در مورد نقش سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و

پرورش در افزایش انسجام و هویت ملی پس از انقلاب اسلامی انجام نشده و بنابراین پژوهش حاضر قصد دارد خلاء موجود را برطرف سازد.

استراتژی‌های مهم در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش

۱. آموزش و آگاه‌سازی: نخستین محور استراتژیک برای تحقق بخشیدن به تنوع فرهنگی و حفظ و تقویت انسجام و هویت ملی، آموزش و آگاه‌سازی است. آموزش به صورت یک فرایند پیوسته و بدون وقفه در سراسر زندگی انسان تداوم دارد. این فرایند همان اجتماعی شدن است، با این وصف در استراتژی مورد تأکید ما باید بر بخش‌هایی از این فرایند تأکید خاصی داشت.

الف) توان‌مندسازی از طریق آموزش: پیش از هر چیز باید بر مسأله توان‌مندسازی مردم به استفاده از فرهنگ تأکید کرد. در چارچوب مدارس افزون بر سوادآموزی نیاز به محوریت بخشیدن به آشنا کردن دانش‌آموزان با امکانات، منابع و قابلیت‌های فرهنگی خود آن‌ها و سایر فرهنگ‌ها نیز وجود دارد. تأکید بر چندگانگی فرهنگ‌های انسانی و لزوم حمایت از این تنوع و تشویق دانش‌آموزان به برخورداری از رویکردی بین فرهنگی اهمیت ویژه دارد. افزون بر این، در کشوری مانند ایران که دارای غنای قومی فوق‌العاده زیادی است، آموزش فرهنگ‌های قومی و تأکید بر شکل‌گیری فرهنگ ملی از این خرده فرهنگ‌ها اهمیت بسیار بالایی دارد.

ب) آگاه‌سازی فرهنگی: دومین برنامه مهم در این زمینه آگاه کردن مردم از امکانات موجود در زمینه فرهنگی است. آگاه‌سازی نیاز به استراتژی‌های متفاوت و بسیار حساب شده‌ای دارد تا بتواند همه اقشار را در همه موقعیت‌ها در بر بگیرد و به این لازم برسد. در بسیاری موارد به وجود آوردن پل‌های ارتباطی بین کنشگران فرهنگی، برای نمونه بین مدارس، انجمن‌ها و جمعیت‌های فرهنگی، رسانه‌ها و غیره می‌تواند به این هدف کمک زیادی کند.

۲. محوریت بخشیدن به تنوع فرهنگی: دومین استراتژی اساسی برای رسیدن به انسجام ملی و تقویت هویت ملی به کار گرفتن رویکردی با محوریت کامل تنوع فرهنگی است. استراتژی دفاع از تنوع فرهنگی یکی از مهم‌ترین استراتژی‌ها در چارچوب استراتژی عمومی دموکراسی فرهنگی به حساب می‌آید. در زمینه تأکید بر تنوع فرهنگی لازم است که بیش از هر چیز فرهنگ‌های در معرض خطر انقراض (اعم از زبان‌ها، گویش‌ها، آداب و رسوم، شیوه‌های زیستی، اشکال هنری، صنایع دستی) در پهنه یک کشور مورد شناسایی قرار گرفته و اقدامات مشخص و مؤثری برای نجات آن‌ها انجام گیرد. ایجاد حساسیت در همه افراد و نهادهای جامعه نسبت به این موضوع که از جمله باید از خلال برنامه‌های آموزشی انجام بگیرد می‌تواند زمینه مناسب را در این راه فراهم کند (۳). کمیسیون بین‌المللی آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم پیشنهاد می‌کند که بر چهار ستون بنیادینی که زیربنای آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد تکیه شود. این چهار ستون عبارتند از: یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام

دادن، یادگیری برای زیستن و یادگیری برای با هم زیستن به نحوی که از طریق تقویت توان درک دیگران و سپاس از همبستگی با آنان فراهم می‌شود. اجرای طرح‌های مشارکتی و فراگیری مقابله با بحران‌ها و احترام به ارزش‌های جمعی، تفاهم دوجانبه و صلح از جمله فعالیت‌هایی است که این نوع یادگیری را ممکن می‌سازد (۷).

راهکارهای اجرای استراتژی‌ها

۱. تنظیم سرفصل‌های آموزشی متناسب با هویت ملی: ساختاری آموزشی در راستای تحقق اهداف هویتی و انسجام‌بخشی گروه‌های مختلف اجتماعی ملزم به تدوین سرفصل‌های آموزشی همسو با هویت ملی هستند. ارزش‌گذاری و ترفیع نقش زبان و ادبیات فارسی به عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی در عرصه تعاملات اجتماعی، آشنایی با مفاخر بزرگ علمی و شخصیت‌های تاریخی، آداب و رسوم، اسطوره‌ها و نمادهای ملی از جمله مواردی هستند که باید به منظور آگاه ساختن نسل‌های مختلف مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی و سیاست‌گذاران فرهنگی قرار بگیرد.

۲. بهره‌گیری از روش‌های کارآمد به منظور ایجاد آگاهی و حس تعلق به هویت ملی: اگرچه پرداختن به مؤلفه‌های هویت ملی و آموزش، عاملی مهم در ارتقای حس تعلق به هویت ملی محسوب می‌شود اما این امر باید با روش‌های اصولی و علمی صورت بگیرد. توجه به بخش‌هایی از فرهنگ و پیشینه تاریخی و غفلت و بی‌توجهی به دیگر بخش‌ها از جمله عواملی است که دستیابی به اهداف همبستگی ملی را با کاستی مواجه خواهد ساخت.

۳. تحقق انسجام ملی و ثبات ساختارهای فرهنگی: این امری بدیهی است که عدم ثبات و هماهنگی میان ساختارها و بخش‌های مختلف فرهنگی نمی‌تواند اهداف هویتی و همبستگی ملی را محقق سازد. ایجاد ارتباط منطقی و سازنده میان ساختارهای فرهنگی و تلاش در جهت حفظ دستاوردهای فرهنگی-هویتی و همکاری نهادهای آموزشی در تدوین و آموزش کتب درسی از مهم‌ترین کارکردهای آموزش به شمار می‌آید (۶).

۴. تعامل میان ارکان هویت ملی با تحولات فرهنگی: نظام‌های آموزشی در تحقق اهداف فرهنگی و آموزشی باید در صدد تدوین برنامه‌هایی باشند که ضمن بررسی فرهنگ ملی و ایجاد انگیزه و ترغیب در بین نسل‌ها، رویکرد مثبتی به هویت جهانی داشته باشند. بر این اساس شورای عالی آموزش و پرورش در مصوبه سال ۱۳۷۸ در تبیین اهداف و خط‌مشی‌های وزارت آموزش و پرورش ایران در مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی، برقراری ارتباط با نظام‌های آموزشی دنیا در چارچوب اصول پذیرفته شده را مورد توجه قرار داده است.

۵. ایجاد پیوند میان گروه‌های مختلف اجتماعی: از مهم‌ترین وظایف نظام آموزشی در راستای همبستگی ملی، تعمیق پیوند میان گروه‌های مختلف است که در یک سرزمین واحد زندگی می‌کنند. تلاش برای ارائه الگویی واحد از فرهنگ و هویت یک سرزمین با در نظر گرفتن ظرافت‌های تنوع فرهنگی، خودداری از طرح مسائل تفرقه افکنانه در میان گروه‌های مختلف از جمله عواملی است که نظام‌های آموزشی توجه خاصی به آن دارند (۶).

اجرای مدل سوات جهت ارائه راهبردهای سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش در زمینه تقویت

انسجام و هویت ملی

با استفاده از مدل سوات به ارائه راهبردهای مناسب در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش برای تقویت انسجام و هویت ملی پرداخته شده است:

جدول شماره (۱): عوامل درونی و بیرونی موثر در سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش			
عوامل بیرونی (T)		عوامل درونی (W)	
تهدیدها (T)	فرصت‌ها (O)	ضعف‌ها (W)	قوت‌ها (S)
T1- تک فرهنگی شدن و تضعیف فرهنگ‌های بومی؛	O1- حفظ و تحکیم انسجام ملی و توجه به تنوع اقوام، خرده- فرهنگ‌ها و اقلیت‌ها؛	W1- عدم تنظیم سرفصل‌های آموزشی متناسب با هویت ملی در نظام آموزش و پرورش کشور؛	S1- توانمندسازی از طریق آموزش؛
T2- تهدید روندهای مربوط به تربیت دینی در ایران؛	O2- حفظ توسعه یکپارچگی اجتماعی	W2- عدم بهره‌گیری از روش‌های کارآمد به منظور ایجاد آگاهی و حس تعلق به هویت ملی؛	S2- دارا بودن نیروی انسانی متخصص و دلسوز؛
T3- تأثیر منفی بر زبان و آموزش آن؛	O3- پرورش روحیه تعاون و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت آن؛	W3- عدم ثبات ساختارهای فرهنگی دخیل در امر سیاست- گذاری فرهنگی در نظام آموزش و پرورش؛	S3- وجود ساختارهای اداری مناسب و آماده عملیات؛
T4- افزایش شکاف اجتماعی و سیاسی؛	O4- شناخت نظام سیاسی ایران و احترام به پرچم و سرود ملی؛	W4- عدم تعامل میان ارکان هویت ملی با تحولات فرهنگی؛	S4- ظرفیت‌های فرهنگی و هویتی بسیار بالا در بدنه جامعه؛
T5- افزایش شکاف قومی و آسیب به انسجام و هویت ملی.	O5- تلاش در حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه به عنوان اصلی مهم در تأمین امنیت ملی.	W5- عدم تلاش برای ایجاد پیوند میان گروه‌های مختلف اجتماعی در سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش؛	S5- تاریخ و هویت بسیار غنی؛
		W6- عدم وجود ساختار منسجم جهت سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام آموزش و پرورش.	S6- وجود اسناد بالادستی.

عوامل درونی موثر در سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش

هدف این مرحله سنجش عوامل داخلی (درونی) تأثیرگذار در سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش در جهت تقویت انسجام و هویت ملی و با هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف، یعنی جنبه‌هایی

است که در راه برطرف ساختن چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش، زمینه‌های باز دارنده یا مساعد و مطلوب دارد. به همین جهت، پتانسیل‌ها و منابع موجود در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفته است و تحت عنوان نقاط قوت و ضعف دسته‌بندی شدند و بر همین اساس هر کدام از موارد رتبه و وزن نرمال در وضع موجود اختصاص پیدا کرد.

جدول شماره (۲): رتبه و وزن نرمال نقاط قوت و ضعف اثرگذار بر سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش

ماتریس عوامل درونی (IFE)					
رتبه	عوامل راهبرد درونی (داخلی)	وزن	وزن نرمالیزه	امتیاز وضع موجود	امتیاز وزن‌دار
قوت‌ها (S)					
۱	توان‌مندسازی از طریق آموزش	۵	۰/۰۸۲	۴	۰/۳۵۸
۲	دارا بودن نیروی انسانی متخصص و دلسوز	۳/۷	۰/۰۷	۳/۷۴	۰/۲۷۸
۳	وجود ساختارهای اداری مناسب و آماده عملیات	۴/۹	۰/۰۷۷	۳/۸۲	۰/۳۶۴
۴	ظرفیت‌های فرهنگی و هویتی بسیار بالا در بدنه جامعه	۳/۸	۰/۰۷۱	۳/۷۹	۰/۲۸۵
۵	تاریخ و هویت بسیار غنی	۳/۷	۰/۰۶۷	۳/۷	۰/۲۳۸
۶	وجود اسناد بالادستی	۴/۱	۰/۰۷۴	۳/۸	۰/۲۹
ضعف‌ها (W)					
۷	عدم تنظیم سرفصل‌های آموزشی متناسب با هویت ملی در نظام آموزش و پرورش کشور	۴/۸	۰/۰۶۴	۱/۱	۰/۰۸
۸	عدم بهره‌گیری از روش‌های کارآمد به منظور ایجاد آگاهی و حس تعلق به هویت ملی	۴/۷	۰/۰۷۶	۱/۳	۰/۱۰
۹	عدم ثبات ساختارهای فرهنگی دخیل در امر سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام آموزش و پرورش	۴/۶	۰/۰۷۴	۱/۵	۰/۱۲۶
۱۰	عدم تعامل میان ارکان هویت ملی با تحولات فرهنگی	۵	۰/۰۸۲	۱	۰/۰۹۲
۱۱	عدم تلاش برای ایجاد پیوند میان گروه‌های مختلف اجتماعی در سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش	۴/۹	۰/۰۹	۱	۰/۰۹
۱۲	عدم وجود ساختار منسجم جهت سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام آموزش و پرورش	۵	۰/۰۹۲	۱	۰/۰۸۲
جمع		۵۴/۲		۱	۲/۳۸۳

عوامل بیرونی موثر در سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش

هدف این مرحله مطالعه تأثیرات محیط بیرونی جهت شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهایی است که سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش در راستای تحقق انسجام و هویت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر همین اساس با توجه به یافته‌های تحقیق و مرور وضعیت کنونی سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش و پرورش، این بخش به فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در این راه و نحوه مرتفع ساختن چالش‌های حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش و پرورش می‌پردازد و به هر کدام از این موارد رتبه و وزن نرمال اختصاص داده است.

جدول شماره (۳): رتبه و وزن نرمال فرصت‌ها و تهدیدهای تأثیرگذار در سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش

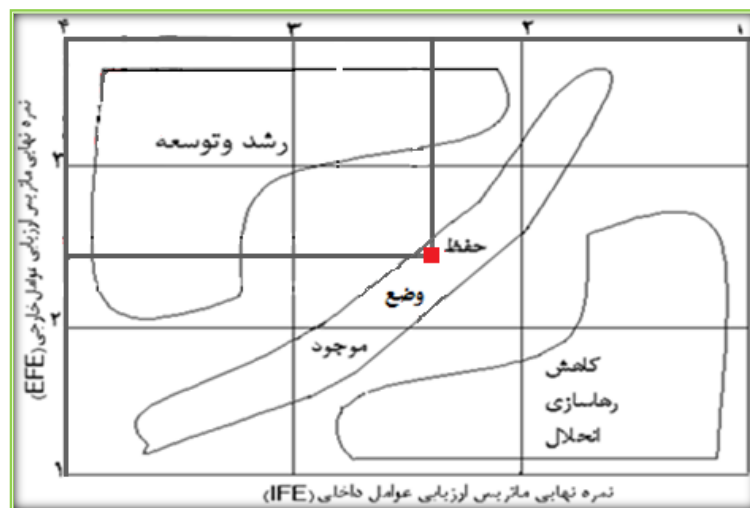
ماتریس عوامل بیرونی (EFE)					
ردیف	عوامل راهبردی بیرونی (خارجی)	وزن	وزن نرمالیزه	امتیاز وضع موجود	امتیاز وزن‌دار
فرصت‌ها (O)					
۱	حفظ و تحکیم انسجام ملی و توجه به تنوع اقوام، خرده فرهنگ‌ها و اقلیت‌ها	۴/۱	۰/۰۹	۳/۵	۰/۳۲۵
۲	حفظ توسعه یکپارچگی اجتماعی	۵	۰/۱۰	۴	۰/۴۳
۳	پرورش روحیه تعاون و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت آن	۳/۹	۰/۰۸۷	۳/۱	۰/۲۶۶
۴	شناخت نظام سیاسی ایران و احترام به پرچم و سرود ملی	۵	۰/۱۰	۴	۰/۴۴
۵	تلاش در حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه به عنوان اصلی مهم در تأمین امنیت ملی	۴	۰/۰۸۹	۳/۵	۰/۳
تهدیدها (T)					
۶	تک فرهنگی شدن و تضعیف فرهنگ‌های بومی	۵	۰/۱۰	۱	۰/۱۰
۷	تهدید روندهای مربوط به تربیت دینی در ایران	۲/۹	۰/۰۸۶	۱/۷	۰/۱۳۷
۸	تأثیر منفی بر زبان و آموزش آن	۳/۵	۰/۱	۱/۵	۰/۱۵
۹	افزایش شکاف اجتماعی و سیاسی	۴/۶	۰/۱	۱/۶	۰/۱۴
۱۰	افزایش شکاف قومی و آسیب به انسجام و هویت ملی	۵	۰/۱۲	۱	۰/۱۰
جمع		۴۵	۱		۲/۴۰۸

مجموع عوامل داخلی و خارجی اثرگذار در سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش در راستای تقویت انسجام و هویت ملی

جدول شماره (۴): مجموع عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار در سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش

جمع عوامل خارجی	جمع عوامل داخلی
۲/۴۰۸	۲/۳۸۳

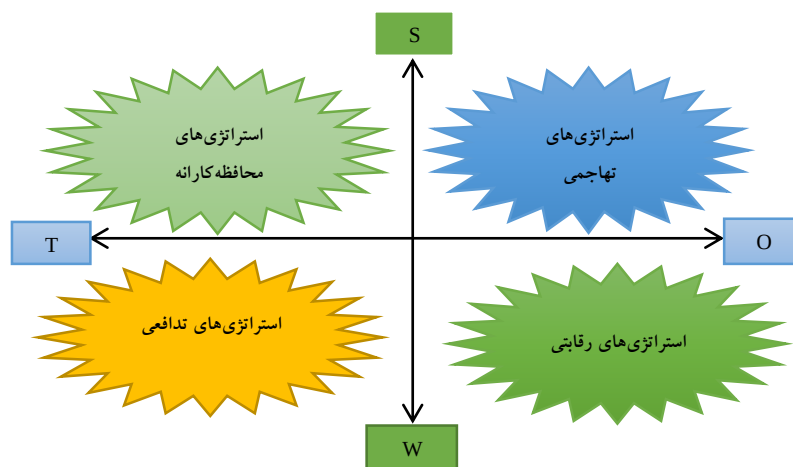
از آن جا که $\Sigma T + O < \Sigma S + W$ است، در نتیجه شاهد وزن بیشتر عوامل خارجی در تعیین راهبردهای مطلوب هستیم یا دست کم می‌توان گفت نقش عوامل بیرونی در تعیین اولویت راهبردهای مطلوب در سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش در زمینه تقویت انسجام و هویت ملی بیشتر است. راهبردهای اصلی پیشنهادی پژوهش حاضر نیز ناظر بر طیفی از حفظ وضع موجود و رشد و توسعه می‌باشد. در شکل زیر ماتریس نهایی عوامل داخلی و خارجی موثر در سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش (IE) را مشاهده می‌کنیم.



شکل شماره (۱): ماتریس نهایی عوامل داخلی و خارجی موثر در سیاست گذاری فرهنگی آموزش و پرورش

راهبردها

در اینجا راهبردهایی در ارتباط با نحوه سیاست گذاری فرهنگی آموزش و پرورش برای تقویت انسجام و هویت ملی ارائه شده است. در مجموع چهار نوع راهبرد در مدل سوات مورد شناسایی قرار می گیرد که در شکل (۱) قابل مشاهده است.



شکل شماره (۲): راهبردهای چهارگانه مدل سوات

جدول شماره (۵): طراحی راهبردهای چهارگانه مدل سوات

عوامل داخلی (I)		شرح
نقاط ضعف (w)	نقاط قوت (s)	
راهبردهای WO	راهبردهای SO	فرصت‌ها (O) عوامل بیرونی (E)
راهبردهایی به منظور به حداقل رساندن ضعف‌ها با هدف حداکثر استفاده از فرصت‌ها.	راهبردهایی به منظور حداکثر بهره‌گیری از قوت‌ها با هدف بیشینه‌سازی استفاده از فرصت‌ها.	
راهبردهای WT	راهبردهای ST	تهدیدها (T)
راهبردهایی به منظور به حداقل رساندن ضعف‌ها با هدف کمینه‌سازی اثر تهدیدها.	راهبردهایی به منظور حداکثر بهره‌گیری از قوت‌ها با هدف به حداقل رساندن اثر تهدیدها.	

۱. راهبردهای قوت-فرصت (SO): این راهبرد مناسب‌ترین و بهترین حالت برای هر سازمان است و بدان معناست که سازمان موردنظر ضمن این که از نقاط قوت و توانایی‌های مناسب و قابل اتکایی برخوردار می‌باشد، در فضای تعاملی و زمینه‌ای خود نیز با فرصت‌های بسیار خوبی روبرو می‌باشد. در نتیجه، این نوع از راهبردها نحوه استفاده از توان موجود سازمان در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های موجود را بیان می‌کند.

۲. راهبردهای قوت-تهدید (ST): در این نوع راهبرد سازمان موردنظر هرچند از توانایی‌ها و قوت‌های مناسب و قابل اتکایی برخوردار می‌باشد اما در یک محیط تعاملی و زمینه‌ای خود با تهدیدها و چالش‌های جدی و بسیاری روبرو است. در نتیجه، این نوع از راهبردها نحوه بهره‌گیری از حداکثر توان موجود در جهت رویارویی مناسب با چالش‌ها، تهدیدها و فشارهای محیطی را به تصویر می‌کشد.

۳. راهبردهای ضعف-فرصت (WO): در این نوع راهبرد اگرچه فرصت‌های زیاد و خوبی در اختیار سازمان قرار دارد اما از طرفی ناتوانی‌ها و ضعف و آسیب‌پذیری‌های جدی نیز سازمان موردنظر را احاطه کرده است. در نتیجه، با استفاده از راهبردهای نوع WO می‌بایست نهایت کوشش خود را به منظور جبران ناتوانی‌ها و ضعف‌های خود با استفاده از فرصت‌های محیطی مصروف سازد.

۴. راهبردهای ضعف-تهدید (WT): این نوع راهبرد در حقیقت دشوارترین، مخاطره‌آمیزترین و بدترین شرایط را برای ادامه فعالیت سازمان موردنظر به تصویر می‌کشد. به این دلیل که با وجود ناتوانی‌ها و ضعف‌های فراوان و قابل ملاحظه‌ای که سازمان مورد نظر با آن روبروست، در فضای تعاملی و زمینه‌ای خود نیز با چالش‌ها، فشارها و تهدیدهای مختلفی می‌بایست روبرو شود. به همین جهت، با استفاده از راهبردهای نوع WT تلاش می‌کند تا نقاط ضعف خود را به شکلی پوشش داده یا آسیب‌پذیری‌های خود را از جانب تهدیدهای فضای محیطی به حداقل رسانده و یا در صورتی که امکان داشته باشد خود را از گزند این تهدیدها و آسیب‌ها دور نگاه دارد.

بر اساس ماتریس سوات و تجزیه و تحلیل راهبردهای مربوطه، انواعی از راهبردهای تدافعی، تهاجمی، محافظه‌کارانه و رقابتی مورد توجه قرار گرفته است و مهم‌ترین راهبردهای کاهش چالش‌های پیش‌روی سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش و پرورش در زمینه تقویت انسجام و هویت ملی مورد بررسی قرار گرفت.

با توجه به رتبه و وزن نرمال هر یک از عوامل به دست آمده با توجه به تجزیه و تحلیل عوامل بیرونی و درونی راهبردهای مناسب هر یک از بخش‌های ST، WO، SO، WT پی‌شنهاد می‌گردد. راهبردهای مورد اشاره در جدول (۶) ارائه شده است:

جدول شماره (۶): ماتریس سوات

اهداف کلیدی: راهبردهای سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش و پرورش در راستای تقویت انسجام و هویت ملی	نقاط قوت	نقاط ضعف
راهبردهای تهاجمی / رقابتی (SO): SO1 (S1, O1, 2) - لزوم وحدت نظری فرهیختگان در WO1 (W1, 3, O1, 2) - تدوین قوانین کارآمد و تعریف فرهنگ و نقش آن در تقویت انسجام و هویت کاربردی؛ فرصت‌ها SO2 (S1, 2, 3, 5, O4) - نهادینه کردن نقد فرهنگی در الگوهای سیاست‌گذاری برون‌مرزی؛ جامعه؛ SO3 (S1, 2, 3, 5, O3, 4, 5) - لزوم تولید و انباشت سیاست‌گذاری فرهنگی. علمی و نظری پیرامون سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش و پرورش. راهبردهای تنوع (ST): ST1 (S4, 6, T2, 3) - تنظیم سرفصل‌های آموزشی WT1 (W4, T3) - توجه به تفاوت‌ها؛ متناسب با هویت ملی؛ ST2 (O1, 3, T4) - تقویت هویت ملی؛ تهديد‌ها ST3(S1,2,3,4,6, T1,5) - ایجاد پیوند میان گروه‌های WT3 (W1, 2, 4, T1, 5) - تحقق انسجام ملی و ثبات ساختارهای فرهنگی؛ مختلف اجتماعی. WT4 (W1, 6, T4) - بهره‌گیری از روش‌های کارآمد به منظور ایجاد آگاهی و حس تعلق به هویت ملی.		

بعضی از راهبردهای استخراج شده از تلاقی دو عامل حاصل شده است و بعضی نیز از تلاقی چند عامل حاصل شده است که راهبردهای ترکیبی نامیده می‌شوند.

نتیجه‌گیری

فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه آموزش و پرورش مشتمل بر سیاست‌ها، اقدامات و کارکردهایی است که نهاد دولت در حوزه آموزش و پرورش در پیش می‌گیرد و مسیر نظام تعلیم و تربیت را در تحقق انسجام ملی هموار می‌سازد. این حوزه سیاست‌گذاری از آن جهت دارای اهمیت است که خط‌مشی‌ها و راهبردهای آموزشی نهادها و سازمان‌های حکومتی تصمیم‌ساز به میزان زیادی تعیین‌کننده هویت و انسجام ملی خواهد بود و در موفقیت یا ناکامی رسیدن به انسجام ملی نقش به‌سزایی دارد. چگونگی مداخله دولت‌ها در فرهنگ، مسأله‌ای کلیدی است که در سیاست‌گذاری فرهنگی بدان پرداخته

می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به واسطه هویت فرهنگی، توجه ویژه‌ای به این حوزه سیاست‌گذاری دارد و به شکل‌های مختلف در بهینه‌سازی و رشد در این عرصه کوشیده است.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Ameli, R; Mohammadkhani, N. (2008). Intercultural Relations and Legal Discourse in Education and Iranian Media, Iranian Cultural Research Quarterly, 1 (4).
2. Azimi Arani, H. (2005). Functions of the political system in the process of development, Tehran: Academic Jihad of the Faculty of Economics, University of Tehran, first edition.
3. Fakouhi, N. (2010). Harmony and Conflict in Identity and Ethnicity, Tehran: Golazin Publishing.
4. Gheshmi Meimand, A; Pourkiani, M. & Rahmati, M. M. (2019). Cultural Policy of Students' Sports in Iran, Presentation of model. Research on Educational Sport, 7 (17), P.p: 83-100.
5. Javadi, A; Malek Mohamadi, H. & Kalantari, A. (2017). Identify Geometry of culture as a necessity in cultural policy, based on Grounded theory method. Iranian Journal of Public Policy, 3 (1), P.p: 153-175.
6. Maghsoudi, M. (2012). The requirements of the Iranian educational system in the field of identity policies and national solidarity in the Iranian educational system, Tehran: Iranian Civilization Publishing House.
7. Niyazazari, K. (2011). Behavior and Human Relations in Educational Organizations of the Third Millennium, Third Edition, Tehran: Shiveh Publishing.
8. Ramezani, M; Partovi, A; Eyvazzadeh, H. & Jafari, F. (2019). Cultural Policy Making of the Islamic Republic of Iran: Backgrounds, Patterns and Injuries (Emphasizing the Concept of Referential). Socio- Cultural Strategy, 8 (3), P.p: 69-96.
9. Sadeqizadeh, K. (2018). Imperatives of cultural policymaking for ethnic communities; a strategy based on master documents and viewpoints of shareholders (a case study of Kurdish community). Strategy for Culture, 11 (42), P.p: 87-122.
10. Shiri, T. & Hassan, O. Z. (2014). The Study of Effective Factors on the Cultural Performance and Policy of Ninth and Tenth Government. Journal of Social Development Studies of Iran, Issue 6, Issue 1, Winter.
11. Shikhavandi, D. (2003). Globalization and local cultural identity, Growth of Social Science Education, No. 73, P.p: 4-10.
12. Vahid, M; Qolji, H. (2014). The Culture Sector and the Cultural Macro-Policies in Europe, Politics Quarterly, 44 (4), P.p: 813-830.
13. Vahid, M and Saffar, M. (2016). Fundamentals of Comparative Study of Cultural Policy Making with a Focus on Authorities. Public Policy, 2 (2), P.p: 9-27.